

# بزرگان

شرح حال استاد یکانه افیای ملک الشعرای بهار

آقای میرزا محمد تقی ملک الشعرای بهار خراسانی در سال ۱۳۰۴ هجری در خراسان (مشهد) متولد فرزند مرحوم حاجی میرزا محمد کاظم متخلص به (صبوری) و ملقب بملک الشعراء ابن حاجی محمد باقر کاشانی کدخدای صنف شعر بافان مشهد و او پسر حاجی عبدالقدیر خارا باف ساکن کاشان بوده است - جد ایشان حاجی محمد باقر در جوانی از کاشان بخراسان آمده در شهر مشهد ساکن و پدرشان در اینجا زاده است .

مرحوم ملک الشعراء (صبوری) در مشهد بتمحصیل علوم ادبیه و عربیه و زبان فرانسه و فقه و حکمت پرداخته و در عصر خود یکی از فضایل مشهور خراسان بشمار می آمده است .

شعرا بسبک امیر معزی میگفته و بساختن قصیده و مسمط و غزل و مثنوی استاد بود لیکن بیشتر اشعار او قصیده است

مادر ایشان از یک خانواده تاجر و اصل نژاد گرجستانی است و از نژاد مسیحیان قفقاز که در جنگهای روس و ایران بوسیله عباس میرزای نایب السلطنه باسارت بایران آورده شده بودند اسرای مرزبور دو برادر بودند جوان از نجبای تفلیس یکی سهراب و دیگری افراسیاب نام، سهراب که برادر بزرگتر بود در دربار فتحعلی شاه ترقی کرده نقدینه شاه و صرف جیب بعهده وی محول شده و معروف به سهراب خان نقدی شد و امروز خانواده (نقدی) ایران از نژاد اویند - برادر کوچکتر افراسیاب خان بعد از آنکه در ایران دین اسلام پذیرفت تعصبی در دیانت بخرج میداد و بدین سبب از

خدمات دولتی روی برتافته و بکار تجارت پرداخت و عباسقلی پسرش هم تاجر شد مادر آقای بهار دختر این حاجی عباسقلی تاجر است که در طهران متولد شده و با خانواده اش برای مجاورت به مشهد آمده و با پدر آقای بهار وصلت گریبند \*

ملك الشعراء (بهار) اصول ادبیات را در نزد پدر آموخته و پس از مرگ پدر که انوقت ۱۸ ساله بود تحصیلات ادبی را نزد ادیب نیشابوری که از ادباء و شعرای مشهور بود و سایر ادبای عصر دنبال کرده مقدمات عربی و اصول کامل ادبیات فارسی را نخست در پیش پدر و سپس در مدرسه نواب در خدمت اساتید آن فن تکمیل نمودند خلاصه میتوان گفت که تحصیلات عالی ایشان از سن ۱۸ سالگی بعد از مرگ پدر شروع شد پس از فوت پدر طوری در گفتن شعر مهارت بخرج میداد که جز معدودی از اساتید، سایر فضایل معاصر آنرا باور نکرده و میگفتند اشعار پدرش را از بر کرده و بنام خود میخواند پس از آنکه حکام و امرای خراسان در محافل علنی مکرر ایشان را امتحانها کردند و قصاید خاص که لفظاً و معنأ تازه کی داشت اقتراح کرده و معظم له بخوبی از عهد امتحان برآمد رشته تهمت را از راه دیگر تاب داده و گفتند کس دیگری است که برای آقای بهار این اشعار را میگوید و چون پایه شعر را بمرتبه بلندتری نهاد که از معاصرین خراسان نظیر آن شنیده نشده بود ناچار گفتند مادر آقای بهار گوینده این سخنان است تا کار بیدیه گفتن رسید و مشکلترین امتحانات که سرودن رباعیات بطریق جمع بین الاضداد باشد در مجالس بایشان تکلیف شد - از آن جمله در محفلی که جمعی حاضر بودند گفته شد که این چهار چیز را در چهار مصراع بوزن رباعی بگویند و آن

چهار چنبر بود ۱- نسبیح ۲- چراغ ۳- نمک ۴- چنار  
آقای بهار رباعی ذیل را در عرض چهار دقیقه گفتند :

- ( با خرقه و نسبیح مرا دید چو یار آ )
- رباعی : ( گفتا ز چراغ زهد تا بد انوار )
- ( کس شهد ندیده است در کان نمک )
- ( کس میوه نچیده است از شاخ چنار )

باز رباعی دیگری با چهار مسئله طرح شد ۱- خروس ۲- انگور ۳-  
درفش ۴- سنک  
این رباعی را بدامناً گفته اند :

- ( برخاست خروس صبح بر خیزای دوست )
- ( خون دل انگور فکن در رک و پوست )
- ( عشق من و تو قصه مشت است و درفش )
- ( جور تو و دل صحبت سنک است و سبواست )

امتحان دیگر ( ۱ - گل رازقی ۲ - سبگار ۳ - لاله ۴ - کشک ) نیز سرودند  
( ای برده گل رازقی از روی تو رشک )  
( در دیده من ز دود سبگار تو اشک )  
( گفتم که چو لاله داغدار است دلم )  
( گفتمی که دم کام دلت یعنی کشک )

دران مجلس جوانی بود طنناز و خود ساز که از رعنائی برعزت  
ساخته و از شوخی بشوخنکی پرداخته با این امتحانات دشوار و رباعیات  
بدیهه بازهل من مزید گفته و چهار چیز دیگر بکاغذ نوشت و گفت تواند بود

که در آن اسامی تباری شده باشد و برای اذعان کردن و ایمان آوردن من  
بایستی آقای بهار این چهارچیز را بالبداهه بسرایند

۱- آینه ۲- ارّه ۳- کفش ۴- غوره و اقصای بهار برای تنبه ان  
شوخ چشم دست اطاعت بردیده نهاده و برا هجائی کرد که منظور ان شوخ هم  
دران هجو بحصول پیوست

( چون آینه نور خیز گشتی احسنت )

رباعی :

( چون اره بخلق نیز گشتی احسنت )

( در کفر ادیبان جهان کردی پای )

( غوره نشده مویز گشتی احسنت )

این امتحانات در سال اول مردن پدر و ظهور شاعری آقای بهار  
بکار آمد و ازان پس دوستان بشاعری و استادی معظمه معترف و دشمنان  
ازهرزه درائی ظاهرا منحرف شدند

بهار جوان نیز بتکمیل معلومات خود پرداخته و بران شدند که  
بطهران آمده و بخرج بزرگان دولت بفرنگستان برای فرا گرفتن علوم صحیحه  
رهسپار گردند لیکن دو چیز در پیش این مقصود دیوار کشید - یکی بی  
سرپرست بودن خانواده که مادر و خواهر و دو برادر کوچک بودند و  
معیشت آنان را بایستی تدارک و اطفال را تربیت نمایند - دیگر انقلابات  
ایران بود که در ۱۳۲۴ یعنی دو سال پس از مرگ پدرایشان روی نمود و  
مشروطه صغیر و استبداد صغیر در و ضعیفات اجتماعی تأثیرات مهمی  
بخشیده و تغییراتی در اوضاع وقت راه یافته و درهر سری دیگری انداخت  
نخستین اشعار اجتماعی و سیاسی آقای بهار در بین ۱۳۲۵ -

۱۳۲۶ یعنی سال دوم افتتاح مجلس مؤسسان و کشاکش بین شاه وقت و مجلس و سال اول بسته شدن درب مجلس و بمباردمان بهارستان و استبداد کوچک محمدعلیشاه گفته میشد و بدون امضاء در روز نامه خراسان که انهم محرمانه طبع و نشر می گشت انتشار می یافت - حملات صریح و شدید بشاه و اخلاق او - حمایت از مجلس و اعضاء وی تهییج و تحریک مردم و جوانان دراز پرس از شاه و انتقام کشیدن از مستبدین و پس گرفتن مشروطه - ستایش و تمجید از ستار خان و باقرخان (انقلابیون تبریز) بختیاربها و زشتیها و سید عبدالحسین لاری \* انقلابی لار فارس \* و غیره این اشعار پی در پی انتشار می یافت و گوینده آن در ابتداء نا معلوم و رفته رفته معرفی شده مورد تحسین و محبوبیت عمومی واقع می شد خاصه بعد از بمباردمان مجلس و قصابی شاه و حرکات بی رویه دربار و مأمورین دولت که منتهی بفتاوی و احکام عامی نجف و مرحوم خلدآشیان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی برضد شاه گردید بطوریکه اشاره شد آقای بهار در تحریرات روزنامه خراسان شرکت داشته و چون این روزنامه بطریق مخفی و غیر علنی انتشار می یافت و هنوز قدرت حکومت در کف مرتجعین بود اسمی از وی در متن ان دیده نمیشد لیکن بعد از موفقیت ملیون و فتح طهران روزنامه ای بنام \* طوس \* در مشهد بخرج میرزا هاشم خان قزوینی منتشر شد و آقای بهار علناً بان روزنامه مقاله و شعر میداد و بعد از یک سال روزنامه نو بهار را که از هر حیث مخصوصاً جنبه ادبی و طرز نگارش قابل مقایسه با سایر جراید نبود خود ایشان مستقلاً منتشر ساختند

مقالات مفید با اسلوب مخصوص شیرین و اشعار ایداری که یک

قسمت آن بر طبق مقتضیات و وضعیت سیاسی سروده میشد زینت بخش صفحات این روزنامه قرار گرفت و حیات سیاسی شاعر از این وقت آغاز شده و مجرای آمال شخصی ایشان که عزیمت فرنگ بود منحرف شد (ناامام)

## مدرسه متوسطه دولتی دانش

چون اداره مجله در نظر دارد اوضاع فعلی مدارس خراسان را با سنوات گذشته مورد مقایسه قرار داده اطلاعات جامعی از بدو تأسیس تا کنون راجع به ترقی و تنزل هزیک از مدارس باستحضار عموم برساند و برای این منظور گراورهای نیز بمناسبت مطالب تهیه خواهد نمود اینست که از مدرسه متوسطه شروع نموده و امیدوار است بتدریج این خدمت را با تمام رساند .  
تأسیس مدرسه متوسطه در مشهد :

۱- نظر بضرورت و احتیاجی که خراسان بوجود یکباب مدرسه متوسطه پیدا نموده بود در سال ۱۳۹۶ شمسی <sup>بلک هیئت پنجمنقری</sup> که اعضاء ان عبارت بود از آقایان مستشار الملك ، آقای میرزا محمد خان دانش - آقای انتخاب الملك - آقای سید حسین ادیب بجنوردی - آقای مهندس همایون از میان اعضاء هیئت های ملی معارفی آن زمان ( از قبیل شرکت فرهنگ ) انتخاب گردیده تا با تبادل فکر و نظر وسائل مادی و معنوی تأسیس مدرسه را فراهم سازند ، هیئت مزبوره هم بکمک و مساعدت هیئت های اصلی خود در اندک زمانی موجبات تشکیل مدرسه را فراهم و بتأسیس مدرسه موفق شده شاگردان فارغ التحصیل مدارس ابتدائی را که تا آن موقع بلا تکلیف بودند در مدرسه پذیرفتند بعلاوه چون اسباب عملی شدن این منظور بخوبی فراهم